

ارزیابی نقش سیاست تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در کیفیت زندگی ساکنان محلی (مورد شناسی: شهرهای بُردخون و بَنک، استان بوشهر)

نصراله مولایی هاشجین^۱ - استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

مریم کریمیان - استادیار گروه جغرافیا، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

عثمان بلوچی - دانش آموخته کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

الهه مغانی - دانش آموخته کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۵

چکیده

سیاست ارتقای روستاها به شهر، از جمله سیاست‌های نوینی است که اغلب کشورهای در حال توسعه آن را به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنان نواحی روستایی به کار می‌گیرند. در این راستا کشور ایران طی سه دهه اخیر این سیاست را با هدف ارتقای کیفیت زندگی و جلوگیری از ورود مهاجران روستایی به شهرهای بزرگ، دنبال کرده است. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی نقش سیاست تبدیل روستاها به شهر در کیفیت زندگی ساکنان محلی، از طریق مطالعه شاخص‌های عینی است. محدوده انجام تحقیق، شهرهای بُردخون و بَنک در استان بوشهر می‌باشد. روش تحقیق؛ توصیفی - تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه از ۲۷۸ سرپرست خانوار بدست آمده است. تحلیل داده‌ها نیز از طریق نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج به دست آمده بر اساس T-test در دو زمان قبل و بعد از شهر شدن نشان می‌دهد که سیاست ارتقای روستا به شهر باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در هر دو شهر بُردخون و بَنک شده است. طبق نتایج روش آماری تحلیل مسیر، در هر دو شهر مؤلفه «امکانات خدماتی» بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی داشته است. اما کمترین تأثیرگذاری در شهر بردخون به مؤلفه «اطلاعات و ارتباطات» و در شهر بَنک به مؤلفه «امکانات فراغتی» تعلق گرفته است.

واژه‌گان کلیدی: کیفیت زندگی، سیاست تبدیل روستا به شهر، شاخص‌های عینی، بُردخون و بَنک.

۱. مقدمه

کیفیت زندگی از جمله مسائل مهمی است که ابتدا با گسترش همه جانبه فناوری و فرآیند صنعتی شدن در کشورهای غربی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. گسترش روزافزون فرآیند صنعتی شدن که خود را با تولید انبوه کالاها و خدمات متنوع در بعد کمی نشان می‌دهد، مشکلات زیادی را برای بشر مدرن به همراه آورد (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۶۸). در نتیجه این مسایل نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی در سطح منطقه‌ای به وجود آمد و سبب بروز اختلاف شدید کیفیت زندگی بین شهر و روستا گردیده و به تبع آن مهاجرت روستاییان را به شهرها و دیگر نواحی موجب شد. در همین راستا کشورهای در حال توسعه مانند ایران برای رفع آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های روستایی و شهری سیاست‌های مختلفی را دنبال کرده‌اند که از جمله مهمترین آن‌ها ایجاد و توسعه شهرهای کوچک می‌باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). کشور ایران در سال‌های اخیر به منظور بهبود کیفیت زندگی و جلوگیری از ورود مهاجران روستایی به شهرها سیاستی تحت عنوان تبدیل روستاهای بزرگ و مستعد به شهر را پیش گرفته تا بتواند کیفیت زندگی مردم روستایی را تا حد قابل قبولی بهبود بخشیده و از طرفی دیگر از ورود آن‌ها به شهرهای بزرگ جلوگیری نماید. به همین منظور، در طرح ایران ۱۴۰۰ به توسعه و تقویت شهرهای کوچک و مستعد با تحقق شعار ورود ایران به ۱۴۰۰ به ایجاد ۱۴۰۰ نیک شهر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (خرامه، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

از نظر برخی از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آمایش سرزمین، سیاست تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک با ایجاد و تقویت کارکردهای شهری در مراکز روستایی، به تکامل و کارآمدی نظام سلسله مراتبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی می‌انجامد و در نهایت از طریق خدمات رسانی بهتر، به توسعه حوزه‌های روستایی کمک خواهد کرد (امیر انتخابی هشتپری، ۱۳۸۷: ۱). برخی مطالعات نیز مؤید کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ای تبدیل مراکز روستایی به شهر است؛ زیرا شهرهای کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارائه خدمات مورد نیاز ساکنان، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر نقش مؤثری ایفا می‌کنند و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می‌آورند (رکن‌الدین افتخاری و ایزدی‌خرامه، ۱۳۸۱). همچنین سیاست تبدیل روستا به شهر می‌تواند در توسعه کشاورزی، صنعت و خدمات نقش مهمی را ایفا نماید، بدین مفهوم که روستاشهرها می‌توانند بازار فروش محصولات کشاورزی را فراهم و دسترسی کشاورزان را به لوازم و تجهیزات کشاورزی تسهیل کرده (قادرمزی، ۱۳۸۳: ۴۸) و با گسترش فعالیت‌های غیرزراعی از جمله صنعت و خدمات زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش درآمد و رفاه را برای ساکنان محلی فراهم نمایند. در ایران تبصره ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری نقش مؤثری در تشدید روند تبدیل نقاط روستایی به شهر داشته و مراکز بخش با هر میزان جمعیت و همچنین روستاهای واجد شرایط (مندرج در ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) چنانچه در تراکم کم دارای ۴۰۰۰ نفر و در تراکم متوسط بالغ بر ۶۰۰۰ نفر جمعیت باشند می‌توانند به عنوان شهر شناخته شوند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳ به نقل از دفتر تقسیمات کشوری، ۱۳۸۵).

امروزه با توسعه برنامه‌ریزی‌های مکانی، میزان رضایت از کیفیت زندگی در فضاهای برنامه‌ریزی شده از اهداف اولیه و اصلی به شمار می‌رود. بنابراین، اندیشمندان برنامه‌ریزی نیز اعتقاد دارند برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشند (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۴). بر این مبنا تقویت و رشد شهرهای کوچک را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا این کانون‌ها امکانات و خدماتی فراوانی را به ساکنان محلی خود ارائه می‌دهند و می‌توانند نقش مؤثری در کیفیت زندگی مردم داشته باشند. علاوه بر این شهرهای مذکور قادرند نقش به‌سزایی در تقویت محرک‌های رشد و توسعه نواحی روستایی حوزه نفوذ خود ایفا کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶).

هدف پژوهش حاضر سنجش کیفیت زندگی ساکنان محلی شهرهای مورد مطالعه در دو زمان قبل و بعد از شهر شدن و تبیین اثرگذاری ارتقای روستاها به شهر در بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهرهای ایجاد شده است. برای این منظور، به مطالعه دو روستای ارتقایافته به شهر در استان بوشهر (بُردِخون و بَنک) اقدام شده است. انتخاب این دو شهر این امکان را

به دست می‌دهد که کیفیت زندگی (عینی) مردم از لحاظ شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی که به طور قوی با عمل برنامه‌ریزان و سیاستگذاران عمومی ارتباط دارند، سنجش شده، مؤلفه‌های مؤثر بر آن تبیین و نظامی مؤثر برای پشتیبانی از تصمیمات مربوط به حوزه‌ها، راهبردها و اولویت‌های مربوط به اقدامات عمومی تدوین گردد. در این راستا سؤال‌های زیر مطرح هستند:

- کیفیت زندگی ساکنان محلی قبل از شهر شدن در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در چه وضعیتی قرار داشته است؟
- کیفیت زندگی ساکنان محلی بعد از شهر شدن در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در چه وضعیتی می‌باشد؟
- تأثیرگذاری زیر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلی (بعد از شهر شدن) در محدوده مورد مطالعه به چه میزان است؟

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در داخل کشور در زمینه ارتقای روستاها به شهر و تأثیرات آن بر توسعه نواحی روستایی اطراف، مطالعاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات جمعه پور و رشنودی (۱۳۹۰)، سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶)، ایزدی خرامه (۱۳۸۰)، رستمی (۱۳۸۰)، امیرانتخابی هشتپری (۱۳۸۶)، فنی (۱۳۸۲)، رضوانی، گلی و اکبریانی رونیزی (۱۳۸۶)، شجاعی (۱۳۷۲)، رکن الدین افتخاری و ایزدی خرامه (۱۳۸۱) و قادرمزی (۱۳۸۳) اشاره کرد؛ همچنین در خصوص تأثیرات این ارتقا بر ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی ساکنان محلی و روستاهای اطراف، رضوانی، منصوریان و احمدی در سال ۱۳۸۸ طی پژوهشی تحت عنوان "ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)" به این نتیجه رسیدند که ارتقای روستا به شهر باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در شهر فیروزآباد و بهبود نسبی کیفیت زندگی در شهر صاحب شده است. روند شتابان ارتقای روستاها به شهر در ایران با تقاضاهای گسترده مردم در جهت بهبود وضع زندگی و برخورداری از امکانات و خدمات بهتر شکل گرفته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳)، از این رو ضرورت دارد که میزان برآورده شدن این انتظارات پس از گذشت زمانی معین مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. محققان کیفیت زندگی تفسیرها و تعبیرهای گوناگونی از این مفهوم ارائه داده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

رافائل و همکارانش (۱۹۹۷) کیفیت زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی‌اش لذت می‌برد، تعریف می‌کند. در حالی که گروه RIVM مدعی است که کیفیت زندگی عبارتست از مسائل عینی همراه با تجهیزات غیرمادی زندگی که به نحوی مطابق با ادراکات شخص در مورد سلامت، محیط زندگی و خانواده و... تعیین شده است (فرجی ملائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). ماسام (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که "کیفیت زندگی" از یک سو می‌تواند به عنوان یک معیار یا علت جذابیت یک وضعیت و از سوی دیگر به عنوان دستاورد شرایطی که انتظارات و خواسته‌های افراد در آن تحقق می‌یابد، در نظر گرفته شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). مک گرگور (۱۹۹۸) کیفیت زندگی را میزان برخورداری فرد؛ نه فقط برخورداری از چیزهایی که به دست آورده بلکه از تمام گزینه‌هایی که فرصت انتخاب آن‌ها را دارد. به بیان دیگر، کیفیت زندگی به آزادی برای رسیدن و نرسیدن به موفقیت و آگاهی از فرصت‌هایی واقعی وابسته است که فرد در مقایسه با دیگران در اختیار دارد. همچنین پال در سال ۲۰۰۵ کیفیت زندگی را معیاری برای سنجش میزان تأمین نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده، که نشان دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی یک ناحیه است، تعریف کرده است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۵). کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده و چند بعدی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت،

در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر و کشور) است که هم به شاخص‌های ذهنی و کیفی و هم به شاخص‌های عینی یا کمی تکیه دارد (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

در مطالعات اخیر، کیفیت زندگی به دو روش اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸): روش اول شاخص‌های عینی را برای سنجش کیفیت مورد استفاده قرار می‌دهد. شاخص‌های عینی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش برای انعکاس میزان تأمین نیازهای انسانی که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی بررسی می‌شوند، شامل می‌شود. این شاخص‌ها وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می‌دهند. در این روش از شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی، شاخص پیشرفت اصلی، شاخص سلامت اجتماعی و شاخص توسعه انسانی برای مقایسه‌های ملی و بین‌المللی استفاده می‌شود.

در روش دوم، شاخص‌های ذهنی قرار دارند که سطح رضایت افراد و گروه‌ها را - که اصطلاحاً بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود- ارزیابی می‌کنند (costanza et, 2006: 268). در واقع شاخص‌های عینی سنجش کیفیت زندگی، شرایط مشاهده‌پذیر محیط زیستی را مدنظر قرار می‌دهند، مانند وضع مسکن، تغذیه، محیط زیست و... و شاخص‌های ذهنی با توجه به سؤال‌هایی که محققان از طریق پرسش‌نامه از مردم درباره احساسات رضایت، شادکامی، یا مشابه آن می‌پرسند، به دست می‌آیند (همان منبع، ۷۳). به عبارتی دیگر شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه به دست می‌آیند. در حالی که شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت مردم محلی حاصل می‌شوند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۷). همچنین در رابطه با شاخص‌های عینی و ذهنی "لی" معتقد است که کیفیت زندگی باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست. او بر این باور است که شاخص‌های ذهنی برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح‌تر است. زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فراهم می‌کنند. با وجود این شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. یکی از دلایل پایایی کمتر گزارشات ذهنی، ناتوانی این شاخص‌ها برای نمایش وضعیت محیط زندگی مردم است. شاخص‌های عینی از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و... حاصل می‌شود. واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت زندگی تنها از طریق شرایط عینی نمی‌تواند تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی نیز مهم است. "فو" می‌گوید شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌توانند کیفیت واقعی زندگی را نشان دهند. زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا و قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند (همان منبع، ۹۳).

امروزه بیشتر محققان بر این باورند که کیفیت زندگی تابعی ساده از ثروت مادی نیست و بر این نکته توافق زیادی دارند که برای سنجش کیفیت زندگی دو نوع شاخص جداگانه لازم است. یکی شاخص‌های عینی که محیط‌های زندگی و کار افراد و گروه‌ها را توصیف می‌کنند (Liu, 1979). مانند امکانات آموزشی، بهداشتی، تسهیلات فراغت و مسکن و دیگری شاخص‌های ذهنی که بر پایه چگونگی و توصیف مردم از وضع خود استوارند (Cambell, 1976). اشنایدر (۱۹۷۶)، اندرو ویتی (۱۹۷۶) سطح رضایت از زندگی خانوادگی، شغل و درآمد در کنار احساس کارآمدی شخصی، رضایت از عملکرد دولت در کل، و رضایت از خدمات موجود را از جمله عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در کل و در نتیجه کیفیت زندگی قلمداد کردند، که به شاخص‌های ذهنی معروفند (ربانی‌خوارسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۷۲). در رابطه با شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی، روان‌شناسان معتقدند که اولین عامل تعیین‌کننده در مطالعه کیفیت زندگی، بررسی نگرش فرد نسبت به زندگی است. بسیاری از نظریه پردازان بر میزان احساس بهزیستی فرد در زندگی‌اش به عنوان عامل تعیین‌کننده در نگرش فرد به زندگی تأکید کرده‌اند. از طرفی براون (۱۹۹۳) مهمترین عوامل مؤثر بر رضایت فرد از زندگی در اجتماع را عوامل اقتصادی (درآمد کافی و شغل ایده‌آل) می‌داند (ربانی‌خوارسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۷۲). کامانگی و همکارانش نیز به مؤلفه‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی اشاره کرده‌اند و معتقدند که تعادل این مؤلفه‌ها، کیفیت را در هر

لحظه از زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. و از طرفی رینر و همکاران نیز اظهار داشته‌اند که محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی هسته اصلی مطالعه کیفیت زندگی را شکل می‌دهند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶). همچنین کمپ و همکارانش معتقدند که توافقی در ادبیات کیفیت زندگی وجود دارد که براساس آن مؤلفه‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی اساس اجتماع محلی را شکل می‌دهند و این مؤلفه‌ها به طور سیستماتیک برای معرفی محتوای مفاهیم قابلیت زیست‌پذیری، پایداری و کیفیت زندگی استفاده شده‌اند (Kamp et al, 2003: 8). از نظر برخی پژوهشگران؛ بیکاری، تورم، عدم برخورداری از معاش آبرومند، استفاده نابرابر از کالاهای حیاتی نظیر مصرف سرانه انرژی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، تغذیه مناسب، سرانه دسترسی به پزشک و دسترسی (توزیع) نابرابر به برخی خدمات و امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی در مناطق مختلف کشور و در نهایت برخی شاخص‌های بهداشتی جمعیتی مانند میزان بیماری‌ها از جمله مسائلی هستند که جزء دغدغه‌های نهادهای اجرایی و دانشگاه‌های کشور پیرامون کیفیت زندگی به ویژه در نواحی روستایی محسوب می‌شوند (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

از عمده‌ترین دل مشغولی‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه چالش‌های شهری و شهرنشینی است، که مواردی از قبیل؛ ناهنجاریهای اجتماعی، کمبود شغل و کمبود مسکن را شامل می‌شود. این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در سطوح ملی و بین‌المللی بر قابلیت شهرهای کوچک و میانی برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (UNFPA, 2007). این شهرهای کوچک همان روستاهای بزرگ و مستعدی هستند که با خواست ساکنان محلی و اقدام مسؤولین به شهر تبدیل شده‌اند.

در کشورهای در حال توسعه چون غالب سرمایه‌ها و امکانات در شهرها متمرکز شده است، شهرها به کانون‌های عمده سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تنوع اقتصادی و انواع صنایع و خدمات مدرن و مرکز اصلی تولید تبدیل شده‌اند. به همین خاطر اغلب ساکنان حاشیه‌ای و به ویژه روستائینان برای یافتن پاسخ شرایط نامطلوب زندگی خود در روستاها به سمت شهرها سرازیر می‌شوند. زیرا شهر جایی است که سرمایه‌گذاری جدید و شغل‌های جدید خلق می‌شوند، به عبارت دیگر شهرنشینی بازتاب موفقیت اقتصادی است. شهرنشینی، توسعه اجتماعی را نیز در کشورهای در حال توسعه تسهیل کرده است. تدارک خدمات اساسی شامل؛ سلامت و آموزش برای جمعیت روستایی به شدت پراکنده، به مراتب دشوارتر و پرجزئی‌تر از جمعیت‌های متمرکز در نواحی شهری است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). بنابراین به منظور تبیین نقش مثبت شهرهای کوچک که از طریق ارتقای روستاها به وجود آمده‌اند و تأثیرات آن‌ها بر بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در کشورهای در حال توسعه می‌توان گفت که فارغ از مشکلات عدیده شهرنشینی در شهرهای بزرگ و نواحی روستایی، این شهرها هم می‌توانند تسهیل‌گر ارائه انواع خدمات به ساکنان محلی و روستاهای پیرامونی و هم کاهنده بسیاری از مشکلات شهری که از طریق ورود مهاجران روستایی به شهرها به وجود می‌آید، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

۲-۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۲-۱. شهرهای کوچک و توسعه محلی

در سال‌های اخیر با رشد سریع شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، ظهور مسائل مربوط به کمبود واحدهای مسکونی و بالا رفتن میزان بیکاری، عده‌ای از محققان پیشنهاد کرده‌اند برنامه ریزی‌های توسعه بر اساس تأکید بر پویایی شهرهای کوچک تهیه شود، زیرا به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و دیگر نیازهای اساسی، شهرهای بزرگ مقصد نهایی بیشتر مهاجران روستایی و مهاجران شهرهای کوچک است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷). طرفداران نظریه نقش شهرهای کوچک در امر توسعه معتقدند در صورت تأمین این قبیل نیازها در شهرهای کوچک مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته و به جای شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک مقصد نهایی مهاجران روستایی خواهد بود (شکویی،

۱۳۸۰: ۴۱۳). مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد^۱ اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه کشاورزی شامل پخشایش روش‌های افزایش بهره‌وری و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی می‌داند. بنابراین آنچه پیشنهاد می‌شود، فقط مدرنیزاسیون و تنوع بخشی خود کشاورزی نیست، بلکه شروع فرآیند صنعتی شدن که به طور ارگانیک با توسعه کشاورزی پیوند خورده است باید مدنظر باشد (سرایبی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

راهبرد توسعه شهرهای کوچک از دهه ۱۹۷۰ به منظور ایجاد نظام سکونتگاهی متناسب و یکپارچه و الگوی عادلانه‌تر اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. عدم تعادل در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، توزیع مکانی نامتعادل جمعیت، دوگانگی بین نواحی روستایی و شهری، نادیده گرفته شدن منابع روستایی، تشدید مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، نظام متمرکز مدیریتی، همراه با آثار نامطلوب اجرای رویکردهایی نظیر قطب رشد، سبب شد که راهبرد توسعه شهرهای کوچک که مبتنی بر دیدگاه توسعه از پایین به بالاست، در جهت اهداف توسعه شهری، روستایی، منطقه ای و ملی مطرح شود و در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشورهای به ویژه کشورهای در حال توسعه مورد عنایت قرار گیرد (قادرمزی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

این راهبرد در ایران به شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در جهت خارج نمودن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای نمود پیدا کرده است (سرایبی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶، ۱۶۹). بدین ترتیب در بیشتر کشورهای در حال توسعه، جهت‌گیری به سوی شهرهای کوچک یا روستاها با اهداف بهبود رفاه و کیفیت زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف، کاهش نابرابری‌های موجود بین سکونتگاه‌ها، بهبود نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، و تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری به یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای تبدیل شد (رضوانی وهمکاران، ۱۳۸۸: ۵). دیدگاه‌های مختلفی در مورد نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی و کارکرد آن‌ها به عنوان مراکز خدمات وجود دارد. آلتسو از جمله افرادی است که نقش چندانی برای شهرهای کوچک در جذب جمعیت مازاد قائل نیست، اما وجود آن‌ها را در تکمیل شبکه اسکان و ایجاد مفصلی مناسب در برقراری تعادل بین زیستگاه‌های شهری و روستایی الزامی می‌داند. تیسدل در مورد توزیع شهرها از لحاظ تعداد و اندازه معتقد است، با توجه به اینکه نیروهای طبیعی بازار قادر به ایجاد نظام بهینه توزیع جمعیت در سکونتگاه‌های سرزمین نیستند، برایش پیشگیری از تمرکز در برخی از نقاط، توجه به رشد شهرهای کوچک مقیاس و میان مقیاس باید به عنوان راهی در سیاستگذاری نظام اسکان مورد تأکید قرار گیرد (امکچی، ۱۳۸۳: ۵۰). تجربیات جهانی بیانگر این واقعیت است که شهرهای کوچک نواحی مطلوبی برای تمرکز زدایی محسوب شده و محرک توسعه روستایی، متعادل کننده نظام اسکان جمعیت و فراهم کننده زمینه‌های تحقق توسعه پایدار به شمار می‌آیند (جمعه پور و رشنودی، ۱۳۹۰: ۴۷).

نیل هنسن در تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی، شهرنشینی اشاعه یافته از پایین (سیاست از پایین) را که توسعه شهرهای کوچک و میانی را در بر دارد، وسیله میسر و عملی جهت توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته است که هدف آن کمک به رفع نیازهای اندک روستایی در مجاورت زندگی آنان است (باقری، ۱۳۷۵: ۸۵). شهرهای کوچک نقش بسیار مهمی به عنوان "مراکز رشد روستایی" در روند رشد روستاها بر عهده داشته و خدماتی در زمینه ایجاد بازار، تأمین نهاده‌های کشاورزی، مانند کود و ماشین آلات کشاورزی، خدمات شهری همچون امکانات آموزشی، تحصیل، مراقبت‌های پزشکی و مانند آن را برای حوزه روستایی خود فراهم می‌آورند (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). اغلب سیاستگذاران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای، بر نقش اساسی شهرهای کوچک به عنوان مراکز خدماتی منطقه‌ای در توسعه نواحی روستایی از

طریق پیوندهای مستقیم تولید و نیز پیامدهای توزیع و رخنه به پایین تأکید می‌ورزند. به نظر آن‌ها، وجود شهرهای کوچک، پیش‌نیاز توسعه روستایی و منطقه‌ای است (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵)

اغلب کشورهای رو به رشد، عدم توازن و تعادل در اسکان جمعیت شان را ناشی از جریان نامطلوب و غیرمنطقی مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگ می‌دانند. با اطمینان می‌توان پذیرفت که شهرهای کوچک با زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری یک نظام منطقی سلسله مراتبی از حیث جمعیت و کارکرد موفق باشند (فنی، ۱۳۸۲: ۴۵). به هر حال، راهبرد توسعه شهرهای کوچک با توجه به اهداف و کارکرد خود می‌تواند هدف‌های اساسی توسعه روستایی را از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب کسب و کار و زندگی در محیط‌های روستایی، کاهش فاصله عملکردی بین شهرها از طریق ایجاد روستا شهرها به عنوان مراکز فعال روستایی، و جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به توسعه، محقق سازد (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰: ۹). در برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر: چین، کنیا، مصر، مالزی و برخی دیگر، به منظور جلوگیری از تمرکز شدید شهری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر، خدمات رسانی به روستاها و اهدافی از این دست، به امر توسعه و ایجاد شهرهای کوچک از طریق تقویت کانون‌های روستایی بزرگ و ارتقای آن‌ها در سلسله مراتب سکونتگاهی توجه گردیده است. تجربه کشورهای در حال توسعه در ایجاد شهرهای کوچک جدید روستایی نیز حاکی از آن است که بیشتر تأکیدات بر روی توزیع خدمات پایه در حوزه های نفوذ کشاورزی به منظور تقویت جامعه روستایی از طریق فرایند شهرنشینی روستایی صورت گرفته است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰: ۲۰۳). تحقیقات انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی دولت در پیگیری این سیاست، حضور و نفوذ بیشتر در روستاها به ویژه در سال‌های پیش از انقلاب بوده است، زیرا هر چند پایه‌های اقتصادی دولت تا پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بر اقتصاد کشاورزی با ساختار روستایی استوار بود، اما مناسبات آن با روستا از طریق نظام سنتی حاکم بر جامعه انجام می‌گرفت (رزاقی، ۱۳۶۷: ۲۹-۳۵).

تحقیقات دیگری در این زمینه نشان می‌دهد، تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی به ویژه در بخش خدمات اداری و تجاری افزایش و بهبود کارکردهای خدماتی (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰: ۵) افزایش درآمد و رونق اقتصادی، تنوع شغلی، رونق و تقویت صنعت و فعالیت‌های صنعتی، افزایش سطح سواد و سرمایه اجتماعی در شهرهای ایجاد شده و حوزه نفوذ مؤثر (قادرمرزی، ۱۳۸۳: ۱۵۵) بوده است. امکانات رفاهی در کشورهای در حال توسعه به طور نامساوی پخش می‌شود و معمولاً در شهرهای بزرگ متمرکز می‌شوند. مطابق نظریه عدالت اجتماعی، تسهیلات عمومی همچون تعلیم و تربیت و امکانات بهداشتی باید در دسترس همه شهروندان قرار داشته باشد، از جمله کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از طرف کسانی که از تئوری مکان مرکزی الهام گرفته‌اند و مجریان بی قید و شرط آن‌ها، شهرهای کوچک به عنوان مکان‌های مناسبی برای ارائه چنین خدماتی به مناطق روستایی مورد توجه قرار گرفته اند (Tuerah, 1997: 15).

به این ترتیب شهرهای کوچک از طریق برقراری نظم در سلسله مراتب شهری به ایفای نقش خود در توسعه ناحیه‌ای و توسعه کشاورزی می‌پردازند. اگر به این شهرها توجه شود هم شهرهای بزرگ از معضل مهاجرت روستاییان رها می‌شوند و هم اینکه روستایی تازه شهری شده پس از اینکه موقعیت اجتماعی خود را مطلوب‌تر دید اقدام به مهاجرت به شهرهای بزرگ نمی‌کند و در واقع با احتیاط گام برمی‌دارد (رستمی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۲-۲-۲. کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی نسبی، چند وجهی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این رو ارائه تعریفی جامع برای آن آسان نیست (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۴). همچنین میزان رفاه تجربه شده به وسیله افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی

را می‌توان کیفیت زندگی نامید (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۶). برخی کیفیت زندگی را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Epley and Menon, 2008). بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که کیفیت زندگی از جمله امور نسبی است و نمی‌توان برای آن تعریف مطلق و جهانی ارائه داد. این اصطلاح به شدت از زمان و مکان متأثر است و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل دهنده‌اش با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی فرق خواهند کرد و همچنین به میزان زیاد از ارزش‌ها متأثر و در واقع طبق ارزش‌های فردی و اجتماعی و ملی تعریف می‌شود (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۲۶). برخی از آن به عنوان یک امر ذهنی یاد می‌کنند و معتقدند که کیفیت زندگی عبارت است از میزان رفاه جسمی، روان شناختی و اجتماعی که توسط افراد یا اشخاص درک می‌شود و نشان دهنده میزان رضایت از موهبت‌های زندگی می‌باشد (سلیم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸۸). برخی دیگر نیز معتقدند که تعریف کیفیت زندگی باید جامع و شامل عوامل و جنبه‌های مختلف از جمله عوامل فیزیکی و ساختمانی، جسمانی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین برداشت‌ها و تجربیات ذهنی افراد از مفهوم کیفیت زندگی باشد. همچنین امروزه کیفیت زندگی تنها در مفهوم کیفیت وضعیت مادی خلاصه نمی‌شود. در واقع باید میان زندگی مطلوب و زندگی مرفه تفاوت قائل شد، چرا که زندگی مطلوب بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی استوار است، اما زندگی مرفه شاخص‌هایی همچون ارتقای درآمد اقتصادی را مد نظر دارد (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۷۱). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (Rahman & Mittelhamer & Wandschneider, 2003: 1).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی مبتنی بر ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دو شهر کوچک بنک و بردخون واقع در استان بوشهر بوده که شامل ۱۴۳۷۷ نفر می‌باشند. از این میان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۷۸ نفر محاسبه شد. سپس به منظور ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی ابتدا متغیرها یا معرف‌های پژوهش تعیین (جدول ۱) و پس از آن پرسش‌نامه تدوین گردید. روایی پرسش‌نامه با نظرخواهی از استادان، متخصصان و انجام پیش‌آزمون از روستاییان (با استفاده از پرسش‌نامه اولیه، پیش از انجام مصاحبه با ۳۰ نفر برای تخمین حجم نمونه) بررسی و اصلاحات لازم انجام گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز به وسیله آزمون آلفای کرانباخ مقدار ۰/۸۵۳ بدست آمد (جدول ۲). به منظور تحلیل و استنتاج داده‌ها، بسته به مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر از آزمون T-test، همبستگی و روش تحلیل مسیر استفاده گردید.

جدول ۱. شاخص‌ها و معرف‌های تحقیق

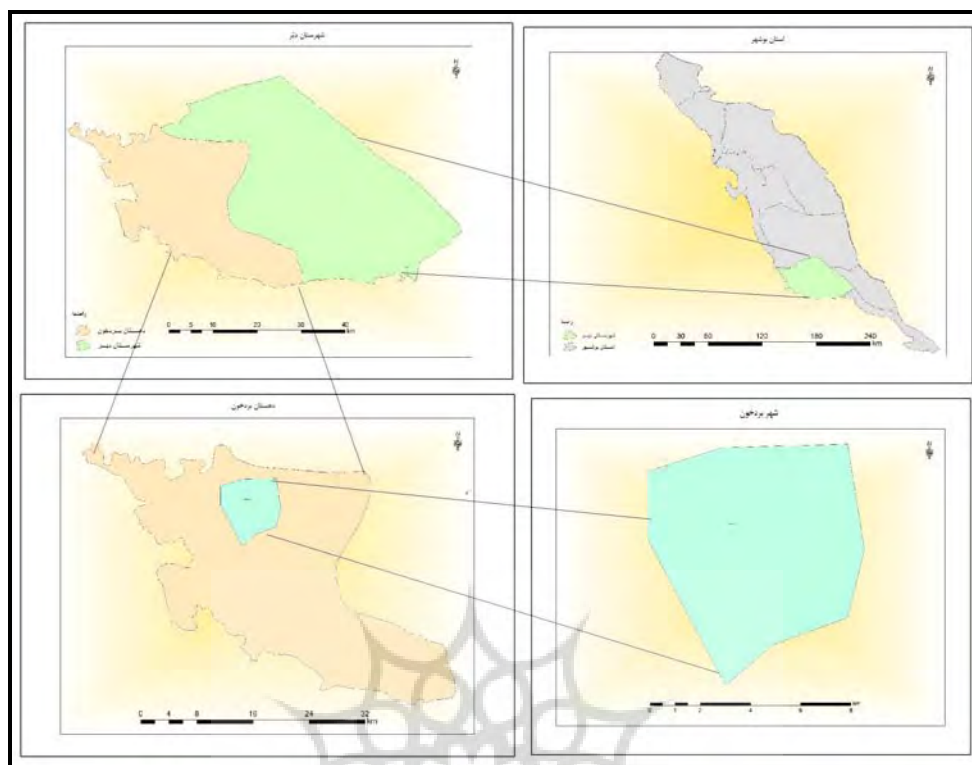
معرف‌ها	زمینه اصلی	شاخص‌ها
درآمد، پایداری درآمد، اشتغال، امنیت شغلی، تسهیلات بانکی، قدرت خرید، کیفیت امکانات خدماتی (خرده فروشی، شرکت تعاونی، سوپر مارکت، رستوران، نانوايي)، کیفیت مسکن، کیفیت راه‌های دسترسی، وضعیت و کیفیت حمل و نقل، مالکیت کشاورزی و دام، بیمه کشاورزی و دام	اقتصادی	شاخص‌های پژوهش (کیفیت زندگی)
کیفیت امکانات و خدمات آموزشی (کودکستان، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، کیفیت امکانات و خدمات بهداشتی درمانی (خانه بهداشت، درمانگاه، داروخانه، پزشک عمومی و ماما و...)، کیفیت اوقات فراغت (پارک، زمین و سوله ورزشی، بوستان)، کیفیت سلامت و تغذیه، کیفیت آب آشامیدنی، کیفیت اطلاعات و ارتباطات (راديو، تلویزیون، کتابخانه، اینترنت)، کیفیت خدمات بیمه تأمین اجتماعی، کیفیت شبکه تلفن و برق	اجتماعی	شاخص‌های مستقیم‌های مورد استفاده در روش تحلیل مسیر
امکانات اساسی (مسکن، سوخت)، امکانات خدماتی (مغازه، سوپر مارکت، شرکت تعاونی، نانوايي، رستوران)، امکانات اقتصادی (سطح زیرکشت، تعداد دام، میزان تولیدات کشاورزی و دامی، وضعیت منابع آب)، شبکه حمل و نقل (فاصله از مراکز شهری، تعداد وسائط نقلیه، موقعیت ارتباطی)	اقتصادی	
امکانات آموزشی (تعداد کودکستان، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، امکانات بهداشتی درمانی (تعداد خانه بهداشت، درمانگاه، داروخانه، پزشک عمومی، ماما پزشک متخصص و دندانپزشک)، امکانات فراغتی (پارک، زمین و سوله ورزشی، بوستان بازی کودک)، امکانات اطلاعاتی و ارتباطی (راديو، تلویزیون، کتابخانه، اینترنت)، امکانات زیربنایی (برق، تلفن، آب لوله کشی، راه دسترسی، گیرنده شبکه تلویزیونی)	اجتماعی	

جدول ۲. تعیین پایایی پرسشنامه

تعداد پرسش‌نامه	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کراباخ
۷۰	۹۵	۰/۸۵۳

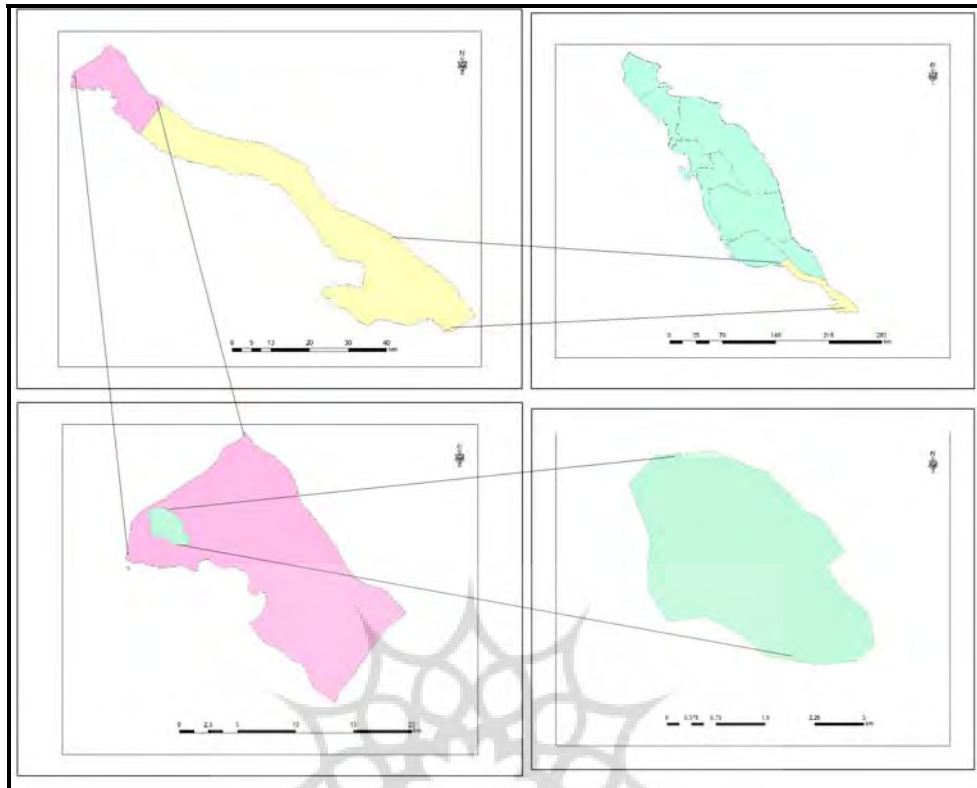
۴. محدوده مورد مطالعه

شهر بردخون به لحاظ تقسیمات سیاسی جزو دهستان بردخون، بخش بردخون و شهرستان دیر در استان بوشهر می‌باشد (شکل ۱) و در عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۳ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۸ دقیقه شرقی واقع شده است. این شهر در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ دارای ۹۳۱ خانوار و ۴۳۰۰ نفر جمعیت بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و در حال حاضر این جمعیت به ۴۵۹۷ نفر و ۱۰۳۸ خانوار افزایش پیدا کرده است. شهر مذکور از نظر اقلیمی جزو مناطق خشک یا خیلی خشک و طبق روش آمبرژه جزء اقلیم بیابانی گرم شدید به حساب می‌آید. متوسط درجه حرارت سالانه منطقه ۱۹/۵ درجه سانتیگراد و متوسط بارندگی آن نیز طبق آمار ایستگاه دیر در دوره ۲۷ ساله ۱۹۳/۳ میلیمتر است و متوسط ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۱۸ متر می‌باشد. اقتصاد این شهر غالباً بر پایه کشاورزی (پرورش گیاهان جالیزی، ماهیگیری و دامداری) در درجه اول و سپس امور خدماتی (مانند بازرگانی و خرید و فروش یا امور اداری) استوار است (مهندسین مشاور آبادی، ۱۳۸۴: ۶۰-۲۲۰).



شکل ۱. موقعیت شهر بردخون در سطح دهستان، شهرستان و استان

شهر بنک از توابع دهستان حومه، بندر کنگان و شهرستان کنگان در استان بوشهر است (شکل ۲) که در ارتفاع ۳۰ متری از سطح دریا، عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۵۲ دقیقه شمالی، طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۱ دقیقه شرقی واقع گردیده است. شهر مذکور براساس سرشماری ۱۳۸۵ دارای ۱۷۵۱ خانوار و ۸۷۵۳ نفر جمعیت بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و در سال ۱۳۹۰ جمعیت آن به ۹۷۸۰ نفر افزایش پیدا کرده است. این شهر از نظر اقلیمی جزء مناطق خشک یا خیلی خشک و طبق روش آمبرژه جزو اقلیم بیابانی گرم شدید به حساب می‌آید. متوسط درجه حرارت سالانه منطقه ۱۹/۵ درجه سانتیگراد و متوسط بارندگی منطقه نیز طبق آمار ایستگاه دیر در دوره ۲۷ ساله ۱۹۳/۳ میلیمتر است (مهندسین مشاور ماب، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۳۹). اقتصاد این شهر به خاطر موقعیت جغرافیایی آن که در مسیر بوشهر- بندر عباس واقع شده، در درجه اول بر پایه فعالیت‌های خدماتی (سرویس دهی به بنگاه‌های حمل و نقل و مسافر) و سپس بر مبنای کشاورزی (کشت گوجه فرنگی و گندم دیم) و دامداری استوار می‌باشد (مهندسین مشاور ماب، ۱۳۸۳: ۴۶).



شکل ۲. موقعیت شهر بنک در سطح دهستان، شهرستان و استان

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های توصیفی

هدف اصلی در این مطالعه بررسی و ارزیابی نقش سیاست تبدیل روستاها به شهر (ارتقای روستاهای بزرگ به شهر) در کیفیت زندگی ساکنان محلی است، که در دو قلمرو اقتصادی و اجتماعی مورد آزمون قرار گرفته است. بیشتر پاسخ‌گویان (۵۵/۴ درصد) بین ۳۰ تا ۵۵ سال سن دارند. ۴۹/۹ درصد از پاسخ‌گویان دارای سواد زیر دیپلم و ۵۰/۱ درصد از آن‌ها دارای سواد دیپلم و بالاتر می‌باشند. اغلب پاسخ‌گویان دارای مشاغل آزاد و کارگری (۳۴/۵ درصد)، ۲۸ درصد دارای مشاغل کشاورزی و دامداری، ۲۰ درصد کارمند و معلم و ۱۷/۵ درصد بیکار هستند. در پی پاسخ به سؤال‌های پرسش‌نامه قبل از زمان شهر شدن، ۹۸/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان کیفیت زندگی خود را در حد متوسط و پایین‌تر از آن و ۱/۸ درصد بالاتر از حد متوسط بیان کرده‌اند. اما بعد از شهر شدن ۷۶ درصد کیفیت زندگی خود را در حد متوسط و ۹۱ درصد بالاتر از متوسط (خوب و خیلی خوب) ارزیابی کرده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. آمارهای توصیفی

شرح	قبل از شهر شدن		بعد از شهر شدن	
	تعداد	٪	تعداد	٪
خیلی ضعیف	۴	۱.۴	۰	۰
ضعیف	۱۱۲	۴۰.۳	۰	۰
متوسط	۱۵۷	۵۶.۵	۲۱	۷.۶
خوب	۵	۱.۸	۲۰۳	۷۳
خیلی خوب	۰	۰	۵۰	۱۸
گمشده	-	-	۴	۱.۴
جمع	۲۷۸	۱۰۰	۲۷۴	۹۸.۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

۱-۱-۵. ارزیابی توصیفی شاخص‌های کیفیت زندگی

۱-۱-۱-۵. بعد اقتصادی

بررسی نظرات پاسخ دهندگان در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود کیفیت درآمد و اشتغال نشان می‌دهد که بیش از ۹۳ درصد آن‌ها در شهر بنک بر این باورند که وضعیت دستیابی به شغل مناسب‌تر و درآمد بیشتر در شهرشان بهتر شده است. در شهر بردخون نیز ۸۵ درصد افراد معتقدند که کیفیت درآمد و اشتغال‌شان بهبود یافته است. در زمینه بهبود و ارتقای قدرت خرید و افزایش توان مالی ۹۵/۵ درصد از اهالی شهر بنک اظهار کرده‌اند که وضعیت قدرت خرید و توان مالی آن‌ها در حد بالایی بهبود پیدا کرده است. اما در شهر بردخون ۹۰/۱ درصد افراد بر ارتقای قدرت خرید و توان مالی خود معتقد بودند. در شهر بنک ۸۲ درصد و در شهر بردخون ۷۹ درصد ساکنان محلی از میزان برخورداری خود از تسهیلات بانکی اظهار رضایت کرده‌اند. همچنین ۹۲/۸ درصد از افراد در شهر بنک و ۹۲/۵ درصد ساکنان در شهر بردخون بر بهبود وضعیت و کیفیت مسکن خود بعد از ارتقای روستایشان به شهر معتقد بودند.

۱-۱-۲-۵. بعد اجتماعی

بررسی نظرات مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت آموزش نشان داد که ۹۱ درصد پاسخ‌گویان در شهر بنک بهبود در دسترسی به امکانات آموزشی را گزارش کرده‌اند. اما در شهر بردخون بیش از ۹۴ درصد بهبود دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی در محل زندگیشان اظهار نموده‌اند. از دلایل این تفاوت اظهار رضایت در دو شهر می‌توان به وجود کودستان و دو دبیرستان در شهر بردخون و نبود کودکستان و تعداد کم کلاس‌های درس دبیرستان در شهر بنک نسبت به بردخون و میزان جمعیت آن اشاره نمود. در زمینه بهبود کمیّت و کیفیت امکانات بهداشتی درمانی، بیش از ۹۵ درصد افراد در شهر بردخون و ۸۹ درصد در شهر بنک بر بهبود چشمگیر امکانات و خدمات درمانی و پزشکی در محل سکونت‌شان باور داشتند. همچنین بررسی نظرات مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت سلامت نشان می‌دهد که ۹۶ درصد پاسخ‌گویان در شهر بردخون و ۹۰ درصد افراد در شهر بنک بر این باورند که بهبود وضعیت و کیفیت تغذیه، کیفیت دسترسی به آب شرب بهداشتی و کیفیت دسترسی به امکانات به خدمات پزشکی و درمانی را گزارش کرده‌اند.

در رابطه با بهبود ارتباطات و اطلاعات و ارتقای کیفیت شبکه حمل و نقل ۹۵ درصد ساکنان شهر بنک و ۹۱ درصد افراد در شهر بردخون درصد معتقد بودند که محل سکونت‌شان کیفیت دسترسی به گیرنده شبکه‌های تلویزیونی و کتاب، کیفیت راه دسترسی، کیفیت معابر داخل روستا و دسترسی به مراکز شهری در حد بالایی بهبود یافته است. در زمینه بهبود امکانات اوقات فراغت نیز ۷۰ درصد افراد در شهر بردخون و ۶۱ درصد در شهر بنک معتقد بودند که کیفیت اوقات فراغت‌شان بهتر شده است. بیش از ۹۶ درصد پاسخ دهندگان در هر دو شهر بنک و بردخون بر بهتر شدن کمیت و کیفیت امکانات خدماتی در محل سکونت خود باور داشتند. این امر بیانگر ایجاد امکاناتی مانند رستوران، نانوايي، مسافرخانه و ارتقای فروشگاه‌های مواد غذایی و بسیاری از خدمات دیگر در شهرهای مذکور می‌باشد، که بعد از ارتقایشان به شهر به آن‌ها دست یافته‌اند.

۲-۵. یافته‌های تحلیلی

در پاسخ به سؤال اول براساس آزمون T-test، چون از یک طرف سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین جامعه در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب ۲/۸۲۶ و ۲/۴۲۴ می‌باشد و از طرف دیگر مقدار اختلاف میانگین به ترتیب در هر دو بعد مذکور ۰/۷۱۳۴- و ۰/۵۷۵۰- و کران‌های بالا و پایین هر دو منفی هستند، لذا می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت زندگی ساکنان محلی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی قبل از زمان شهر شدن از حد متوسط پایین‌تر بوده است (جدول ۴). همچنین در پاسخ به سؤال دوم براساس آزمون T-test، چون از یک طرف سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین جامعه در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب ۳/۹۵۸ و ۳/۷۵۹ می‌باشد و از طرف دیگر مقدار اختلاف میانگین به ترتیب در هر دو بعد مذکور ۰/۹۵۸۳۸ و ۰/۷۵۹۴۴ و کران‌های بالا و پایین هر دو مثبت هستند، لذا کیفیت زندگی ساکنان محلی در هر دو قلمرو اقتصادی و اجتماعی بعد از زمان شهر شدن از حد متوسط بالاتر می‌باشد. بدین معنی که با ارتقای روستاها به شهر کیفیت زندگی مردم بهبود چشمگیری یافته است (جدول ۴).

از دلایل این بهبود چشمگیر در دو شهر بنک و بردخون می‌توان به گسترش بسیار بالای امکانات خدماتی (فروشگاه‌های مواد غذایی، رستوران، نانوايي، مسافرخانه و...)، ارائه تقریباً گسترده تسهیلاتی همچون وام مسکن و کشاورزی به مردم، ارتقای امکانات زیرساختی (راه دسترسی، سیستم لوله کشی آب شرب، شبکه تلفن و...)، بهبود بازار فروش تولیدات کشاورزی و دامی و دستیابی ساکنان محلی به شغل بهتر و درآمد بیشتر و پایدارتر اشاره نمود. علاوه بر این افزایش چشمگیر امکانات بهداشتی- درمانی در شهر بردخون و موقعیت ارتباطی مناسب و تولیدات بالای کشاورزی در شهر بنک از عوامل مهم افزایش کیفیت زندگی بعد از ارتقای این سکونتگاه‌ها به شهر، به شمار می‌روند.

جدول ۴. سطح کیفیت زندگی شهرهای مورد مطالعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی با استفاده از آزمون T-test

TEST VALUE = 3							شرح					
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	میانگین جامعه				شهر شدن	قبل از	بعد از
کران بالا	کران پایین											
۰.۰۱۷۷	-۰.۰۸۴۳	-۰.۰۳۳۳	۰/۰۰۲	۲۰۰	-۱.۲۸۷	۲.۹۶۶	اقتصادی	شهر شدن	بنک			
-۰.۴۶۷۵	-۰.۵۸۴۰	-۰.۵۲۵۷	۰/۰۰۰	۲۰۰	-۱۷.۷۹۶	۲.۴۷۴	اجتماعی	شهر شدن	بنک			
۱.۰۰۶۶	-۰.۹۱۳۰	-۰.۹۵۹۸	۰/۰۰۰	۲۰۰	۴۰.۴۶۶	۳.۹۵۹	اقتصادی	شهر شدن	بنک			
۰.۷۷۰۴	-۰.۶۵۶۹	-۰.۷۱۳۶	۰/۰۰۰	۲۰۰	۲۴.۷۸۸	۳.۷۱۳	اجتماعی	شهر شدن	بنک			
-۰.۳۰۰۶	-۰.۵۳۲۵	-۰.۴۱۶۵	۰/۰۰۰	۷۶	-۷.۱۵۵	۲.۵۸۳	اقتصادی	شهر شدن	بردخون			
-۰.۶۲۹۰	-۰.۸۱۱۱	-۰.۷۲۰۰	۰/۰۰۰	۷۶	-۱۵.۷۴۶	۲.۲۷۹	اجتماعی	شهر شدن	بردخون			
۱.۰۰۳۱۷	-۰.۸۲۶۴	-۰.۹۲۹۰	۰/۰۰۰	۷۶	۱۸.۰۲۵	۳.۹۲۹	اقتصادی	شهر شدن	بردخون			
۱.۰۰۷۷۷	-۰.۹۱۳۶	-۰.۹۹۵۶	۰/۰۰۰	۷۶	۲۴.۱۶۳	۳.۹۹۵	اجتماعی	شهر شدن	بردخون			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

علاوه بر آن در پاسخ به سؤال سوم "میزان تأثیرگذاری هر یک از زیرشاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر کیفیت زندگی" از طریق ضرایب معنادار همبستگی پیرسون و به روش تحلیل مسیر محاسبه شد. نتایج نشان داد که در هر دو شهر "امکانات خدماتی" بیشترین تأثیر، در شهر بردخون "امکانات ارتباطی و اطلاعاتی" و در شهر بنک "امکانات فراغتی" کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی ساکنان محلی داشته‌اند (جدول ۷). بدین معنی که با ارتقای سکونتگاه‌های مورد مطالعه ساکنین این سکونتگاه‌ها توسط دولت حمایت بیشتری شده‌اند و خدمات بیشتر و با کیفیت بالاتری به آن‌ها تعلق گرفته است. در شهر بردخون به دلیل انزوای جغرافیایی و فاصله نسبتاً زیاد آن با مراکز شهری بزرگ امکانات ارتباطی و اطلاعاتی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی داشته است. دلیل اینکه در شهر بنک مؤلفه امکانات فراغتی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی گذاشته، می‌توان به عدم توجه کافی دولت و مسؤولین محلی به اهمیت اوقات فراغت اشاره نمود. علاوه بر این در شهر بردخون امکانات بهداشتی درمانی و امکانات زیرساختی به ترتیب در رده‌های دوم و سوم بیشترین تأثیر داشته‌اند، از علل آن وجود امکانات درمانی و پزشکی نسبتاً کافی و مناسب (یک درمانگاه، دو تا پزشک عمومی، یک پزشک متخصص، یک دندانپزشک، یک متخصص مامایی و دوتا داروخانه) و وجود زیرساخت‌هایی مانند راه دسترسی آسفالت‌ه درجه یک، معابر مناسب داخل شهر، شبکه برق و تلفن قابل ذکر هستند. اما در شهر بنک برخلاف بردخون، امکانات بهداشتی درمانی در سطح پایینی بوده، اما امکانات اقتصادی دارای رتبه دوم از لحاظ تأثیر گذاری بر کیفیت زندگی هستند، که ناشی از اراضی نسبتاً گسترده و حاصلخیز، تولیدات بالای محصولات کشاورزی (به ویژه گوجه فرنگی و گندم دیم) تحت حمایت دولت و موقعیت مطلوب جغرافیایی (نزدیکی به مراکز شهری و بین راهی بودن) آن می‌باشد.

جدول ۷. تأثیر زیرشاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی به روش تحلیل مسیر در محدوده مورد مطالعه

شرح	امکانات آموزشی	امکانات بهداشتی درمانی	امکانات خدماتی	امکانات فراغتی	امکانات اقتصادی	ارتباطات و اطلاعات	امکانات اساسی	امکانات زیربنایی	بُردخون	
									رتبه	کیفیت زندگی
	۰/۹۹۳	۱/۳۱۴	۱/۳۳۲	۰/۶۰۱	۰/۹۹۸	۰/۵۸۶	۰/۹۱۳	۱/۰۲۳	ششم	کیفیت زندگی
									دوم	رتبه
	۰/۷۷۷	۰/۸۱۴	۱/۲۴۴	۰/۴۰۳	۱/۰۱۸	۰/۹۵۲	۰/۸۹۹	۱/۰۱۱	هفتم	کیفیت زندگی
									اول	رتبه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب به عنوان یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار از طریق ارتقای سطح زندگی ساکنان محلی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین شهر و روستا، افزایش حس تعلق به مکان و دسترسی عادلانه مردم به عوامل و عناصر توسعه، هدف اصلی برنامه‌ریزان می‌باشد. با این نگرش مقاله حاضر با هدف ارزیابی نقش سیاست تبدیل روستاها به شهر در کیفیت زندگی ساکنان محلی از دید جامعه نمونه صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند کیفیت زندگی در دو سکونتگاه بردخون و بنک با اجرای سیاست تبدیل روستا به شهر، به طور چشمگیری بهبود یافته است.

نتایج بدست آمده نشان داد که کیفیت زندگی ساکنان محلی در هر دو قلمرو اقتصادی و اجتماعی بعد از زمان شهر شدن از حد متوسط بالاتر می‌باشد. بدین معنی که با ارتقای روستاها به شهر کیفیت زندگی مردم بهبود چشمگیری یافته است. از دلایل این بهبود چشمگیر در دو شهر بنک و بردخون می‌توان به گسترش بسیار بالای امکانات خدماتی (فروشگاه‌های مواد غذایی، رستوران، نانوائی، مسافرخانه و...)، ارائه تقریباً تسهیلاتی همچون وام مسکن و کشاورزی به مردم، ارتقای امکانات زیرساختی (راه دسترسی، سیستم لوله کشی آب شرب، شبکه تلفن و...)، بهبود بازار فروش تولیدات کشاورزی و دامی و دستیابی ساکنان محلی به شغل بهتر و درآمد بیشتر و پایدارتر اشاره نمود. علاوه بر این افزایش چشمگیر امکانات بهداشتی - درمانی در شهر بردخون و موقعیت ارتباطی مناسب و تولیدات بالای کشاورزی در شهر بنک از عوامل مهم افزایش کیفیت زندگی بعد از ارتقای این سکونتگاه‌ها به شهر، به شمار می‌روند.

علاوه بر آن نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهند که در هر دو شهر "امکانات خدماتی" بیشترین تأثیر، در شهر بردخون "امکانات ارتباطی و اطلاعاتی" و در شهر بنک "امکانات فراغتی" کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی ساکنان محلی داشته‌اند. در شهر بردخون به دلیل انزوای جغرافیایی و فاصله نسبتاً زیاد آن با مراکز شهری بزرگ امکانات ارتباطی و اطلاعاتی کمترین تأثیر را نشان داده است. دلیل اینکه در شهر بنک مؤلفه امکانات فراغتی کمترین تأثیر را بر کیفیت زندگی گذاشته، می‌توان به فقدان یا کمبود فضای تفریحی و ورزشی و عدم توجه کافی دولت و مسؤولین محلی به اهمیت اوقات فراغت اشاره نمود. علاوه بر این در شهر بردخون امکانات بهداشتی درمانی و امکانات زیرساختی به ترتیب در رده‌های دوم و سوم بیشترین تأثیر را داشته‌اند، از علل آن وجود امکانات درمانی و پزشکی نسبتاً کافی و مناسب، وجود زیرساخت‌های مناسب و کارآمد قابل ذکر هستند. اما در شهر بنک برخلاف بردخون، امکانات بهداشتی درمانی در سطح پایینی بوده، اما امکانات اقتصادی دارای رتبه دوم از لحاظ تأثیر گذاری بر کیفیت زندگی هستند، که ناشی از اراضی

نسبتاً گسترده و حاصلخیز، تولیدات بالای محصولات کشاورزی (به ویژه گوجه فرنگی و گندم دیم) تحت حمایت دولت و موقعیت مطلوب جغرافیایی (نزدیکی به مراکز شهری و بین راهی بودن) آن می‌باشد. در نهایت با عنایت به یافته‌های بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که سیاست تبدیل روستا به شهر نقش محوری در ارتقا و بهبود کیفیت زندگی در زمینه‌های مختلف ایفا کرده است. بنابراین به کارگیری و ادامه این سیاست در کشور ایران می‌تواند به عنوان عاملی اساسی در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان روستاهای بزرگ و مستعد شهر شدن، مد نظر سیاستگذاران و برنامه‌ریزان باشد.

۷. منابع

۱. امیرانتخابی هشتپری، شهرام، ۱۳۸۷، **فرآیند و پیامدهای فضایی - کالبدی تبدیل روستا به شهر در شهرستان تالش**، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۲۵۶ صفحه.
۲. ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، **تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد استان فارس**، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳. شکویی، حسین، ۱۳۸۰، **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
- امکچی، حمیده، ۱۳۸۳، **شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی**، چاپ اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۴. زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۳، **اندازه شهر**، چاپ اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۵. فنی، زهره، ۱۳۸۲، **شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای**، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۶. خوارزمی، شهیندخت، ۱۳۸۳، **کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران**، شبکه فناوری اطلاعات ایران، تهران.
۷. جمعه پور، محمود و رشودی، بهزاد، ۱۳۹۰، **بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون با تأکید بر کیفیت زندگی**، مجله توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، ۶۴ - ۴۵.
۸. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۱، **نقش تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی (مورد: استان فارس)**، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۹. رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، **توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)**، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره دوم، صص ۱۱۰-۸۷.
۱۰. رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶، **نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان)**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۵۸-۴۵.
۱۱. قالیباف، محمد باقر و همکاران، ۱۳۸۸، **سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه**، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۸۴-۱۶۳.
۱۲. ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود، ۱۳۸۶، **مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی: شهر اصفهان**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۵۹-۵۸.
۱۳. رضوانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۸، **ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)**، مجله پژوهش‌های روستایی، شماره اول، صص ۶۶-۳۳.
۱۴. رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین، ۱۳۸۷، **سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی**، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
۱۵. سرایی، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد، ۱۳۸۶، **تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر**، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۱۸۲-۱۶۵.
۱۶. فرجی ملائی، امین و همکاران، ۱۳۸۹، **تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره دوم، صص ۱۶-۱.

۱۷. عنبری، موسی، ۱۳۸۹، **بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵)**، مجله توسعه روستایی، دور دوم، شماره ۱، ۱۵۱-۱۸۱.
۱۸. مهدوی، مسعود و طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۳، **کاربرد آمار در جغرافیا**، انتشارات قومس، تهران.
۱۹. رزاقی، ابراهیم، ۱۳۶۷، **اقتصاد ایران**، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۲۰. رستمی، کورش، ۱۳۸۰، **بررسی عملکرد منطقه‌ای شهرهای کوچک با استفاده از تحلیل شبکه (مطالعه موردی: دارخوین، خوزستان)**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. غفاری، غلامرضا و امید، رضا، ۱۳۸۸، **کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی**، نشر شیرازه، تهران.
۲۲. قادرمزی، حامد، ۱۳۸۳، **نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: روستا شهر دهگلان)**، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. باقری، اشرف السادات، ۱۳۷۵، **کارکردهای شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای (مطالعه موردی نجف و خمینی شهر)**، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر حسین شکویی.
۲۴. کوکی، افشین و همکاران، ۱۳۸۴، **برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها**، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۱۳-۶.
۲۵. سلیم‌زاده، حمیده، افتخار، حسن، پوررضا، ابوالقاسم و مقیم بیگی، عباس، ۱۳۸۶، **اشتغال مجدد بازنشستگان و شاخص‌های کیفیت زندگی، فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۸۷-۲۹۷.
۲۶. مهندسین مشاور آبادی، ۱۳۸۴، **طرح هادی شهر بردخون**، شهرداری بردخون.
۲۷. مهندسین مشاور مآب، ۱۳۸۳، **طرح هادی شهر بنک**، شهرداری بنک.
۲۸. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، **سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر**.
29. Tuerah, N., 1997, **Rural-Urban Linkages and Development: A Case Study of Northwest, Indonesia**, the University of British Columbia, Canada.
30. Epley, D. & Menon, M., 2008, **A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life**, Soc Indic Res, 88:281-296.
31. Campbell, A.; Converse, P.; and Rogers, W., 1976, **The Quality of American Life**, New York: Russell Sage Foundation
32. United Nations Population fund., 2007, **State of World Population 2007, Unlashing the Potential of Urban Growth**, New York, UNFPA.
33. Kamp, I., K, Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003, **Urban environmental quality and human wellbeing: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study**, Landscape and Urban Planning, 65(1-2).
34. Costanza, R., 2007, **Quality of life: An approach integrating opportunities**, human needs, and subjective well-being, Ecological Economics, 61(2-3).
35. Rahman & Mittelhamer & Wandschaneder., 2003, **Measuring the Quality of Life Across countries: A sensitivity Analysis of well-being indices**, wider international conference on inequality, poverty and Human well-being, May 30-31, 2003, Helsinki, Finland.